





گفتاری در باب اربعین و ظهور

اربعین
مقدمه پیوسته به
ظهور

سید آیت الله یزدان پناه

اربعین مقدمه پیوسته به ظهور

سید یدالله یزدان پناه

ناشر: آل احمد عالمگیری

نوبت چاپ: اول / صفر ۱۴۴۱ هـ ق - مهر ۱۳۹۸ هـ ش

چاپخانه: رکنی

صحافی: پیام

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

صفحه آرا: فاطمه قلی نژاد

طراح جلد: محمد جواد رستمی

آماده سازی: مهدی صداقت



قم - مجتمع ناشران - طبقه همکف - پلاک ۳

AleAhmad.Publication@gmail.com

AleAhmad.Publication

+۹۸۹۱۲ ۴۰۶۹۰۱۵



قم - بلوار سمیه - خ رجائی - ک ۸ - پ ۵۷

Nafahat.eri@gmail.com

Nafahat.eri

Nafahat_eri

+۹۸۹۰۱ ۴۶۱۷۹۸۴



قم - بلوار نیایش - نبش میدان مصلی

+۹۸۲۵۳ ۷۸۳۱۶۲۹

فهرست

- ۷..... سنت غلبه حق بر باطل بر اساس رحمت جهت دار الهی
- ۸..... تدریجی بودن سنت غلبه حق بر باطل
- ۹..... افول و کم فروغی جریان باطل در عین اوج گیری خود
- ۱۰..... مرحله مندی غیبت معصومین علیهم السلام
- ۱۲..... جریان تدریجی زایش های شیعی بعد از عصر غیبت صغری
- ۱۳..... رنگ و رونق جدید در اندیشه های شیعی بعد از شکل گیری عرفان نظری ..
- ۱۴..... عصر صفویه و هویت یابی جامعه شیعی در نبود حاکمیت شیعی
- ۱۵..... انقلاب اسلامی و زایش نوین شیعی
- ۱۷..... جلوه هایی از زایش نوین شیعی در بستر انقلاب اسلامی ایران
- ۱۸..... زمینه سازی انقلاب اسلامی برای بسط جریان حق و زایش حرکت اربعین
- ۲۰..... حرکت اربعین، زایش جدید شیعی و زمینه متصل به عصر ظهور
- ۲۱..... اربعین حسینی، تمرین سربازی در قیام مهدوی
- ۲۲..... مراحل و اتفاقات بعدی در امتداد حرکت اربعین
- ۲۳..... لزوم جهانی سازی جریان اربعین، خلأها و کاستی ها در این مسیر
- ۲۴..... تعطیلی هدفمند و هوشمندانه حوزه های علمیه در زمان حرکت عظیم اربعین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعثی را که در مورد اربعین و نسبت آن با ظهور خدمت سروران عرضه خواهم کرد، از یک جهت جزء فلسفه تاریخ اسلامی و از جهت دیگر جزء بحث سنت‌های الهی و از جهت سوم در واقع در نظام تکوین ذیل بحث کلان‌تری با عنوان «رحمتِ جهت‌دار الهی» قرار می‌گیرد و از یک سو یک نوع تفسیر، تحلیل و بررسی و رسیدن به واقع حرکت غیبت و ظهور است و عمدتاً این اندیشه مطرح خواهد شد که اربعین با حالت و فضای امروزی‌اش به عنوان یکی از مقدمات پیوسته به ظهور است.

سنت غلبه حق بر باطل بر اساس رحمت جهت‌دار الهی

بر اساس بیانات قرآن کریم، نظام عالم اینگونه است که حق و باطل را به هم در می‌آمیزد و حق آهسته آهسته غلبه می‌کند و خودش را به منصفه ظهور می‌رساند: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ»^۱ یعنی سنت الهی این‌گونه است

۱. ... ما حق را بر سر باطل می‌کوبیم تا آن را هلاک سازد و این‌گونه، باطل محو و نابود می‌شود. (انبیاء: ۱۸)

که باعث می‌شود باطل برود و حق باقی بماند. این سنت الهی ریشه در رحمت جهت‌دار الهی دارد؛ به این معنا که رحمت رحمانیه از همان آغاز به توسط رحمت رحیمیه سمت و سوی خاصی دارد. در واقع در نظام تکوین خداوند سبحان در عین آن‌که همه را با رحمت رحمانیه خود پدید می‌آورد، اما به حسب رحمت رحیمیه‌اش، همیشه جهت خیر را غلبه می‌دهد و در عالم همیشه جهت خیر پیروز است. این اندیشه، یک پایه مسأله است.

تدریجی بودن سنت غلبه حق بر باطل

یک پایه دیگر در این بحث، «سنت تدریج» است؛ به این معنا که پیروزی حق بر باطل به صورت تدریجی است. همچنان که در سنت الهی وقتی قرار است حرکت جهانی نهایی پیش بیاید که مطلوب همه انبیاء و اولیاست و آن مسأله حکومت جهانی الهی است که عملاً به دست حضرت حجت سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ خواهد بود، این حرکت به طور تدریجی در طول زمان محقق خواهد شد و نه یکباره.

از سوی دیگر پایه سوم در این بحث، «سنت بشارت» است؛ به این معنا که همیشه آینده خیر در طول تاریخ توسط انبیاء بشارت داده می‌شد. با آمدن رسول الله سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ نیز مژده ظهور حضرت حجت سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ آمد ولی در عین حال چون زمینه‌ها آماده نیست، این امر باید به تدریج به منصف ظهور برسد. از این رو هرچند از یک جهت مسأله ولایت و بسط این اندیشه توسط رسول الله سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ خود پایه برای بحث‌های ظهور جهانی و حاکمیت جهانی است، اما این امر باید با

زمینه مناسب در بستر تدریجی غلبه حق بر باطل همراه شود تا بتواند به بروز و ظهور حقیقی خود برسد.

مسأله ولایت، بعد از رسول الله ﷺ آهسته آهسته به سوی محاق می‌رود تا به زمان شهادت اباعبدالله علیهما السلام برسد و این امر نشان می‌دهد که هنوز آمادگی در امت وجود ندارد.

افول و کم فروغی جریان باطل در عین اوج گیری خود

اما سنت الهی اینست که هر جا باطل اوج پیدا می‌کند همان زمینه ساز حذف باطل یا کم فروغ شدنش می‌شود و همین باعث شد بعد از اباعبدالله علیهما السلام که باطل به اوجش می‌رسد، از آن به بعد از زمان امام سجاد علیهما السلام تا زمان امام باقر علیهما السلام آهسته آهسته وضعیت به نفع جریان حق تغییر پیدا می‌کند و در زمان امام صادق علیهما السلام به اوجش می‌رسد و گویا نزدیک است که به حاکمیت دینی الهی نزدیک شوند اما باز زمینه آماده نیست و لذا امام صادق علیهما السلام بیاناتی دارند که هنوز زمان آن فرا نرسیده است.^۱

بعد از امام صادق علیهما السلام این روند ادامه پیدا می‌کند و اوج می‌گیرد تا به زمان امام کاظم علیهما السلام می‌رسد که در دوره ایشان اندیشه وکالت در حال بسط پیدا کردن است و بعد از آن به دوران امام رضا علیهما السلام می‌رسد که اوجش به شکل ولیعهدی درآمده و مطرح شده است ولی باز آن حاکمیت الهی مطلوب نیست و لذا امام رضا علیهما السلام آن

۱. به عنوان نمونه امام صادق علیهما السلام در پاسخ به ابومسلم فرمودند: «ما أنت من رجالی ولا الزمان زمانی» (نه تو از یاران منی و نه زمانه، زمانه من). (بنگرید به: سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۳۸۴)

را نمی پذیرند. طرح مسأله ولایت عهدی در زمان امام رضا علیه السلام نشان می دهد یک طلب و تشنگی اجتماعی پدید آمده است و آهسته آهسته مردم آماده شده اند و اساساً عباسیان هم در ظاهر با همین ادعا بالا آمدند که مردی از آل رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باید بیاید ولی آهسته آهسته جهت را به سمت اهداف خود تغییر دادند. بنابراین بعد از شهادت ابا عبدالله علیه السلام به برکت ایشان، این حرکات در معارضه با باطل به راه افتاد و اساساً از منظر سنت الهی تاریخی این حرکات می بایست رخ می داد. در هر حال جریان درگیری حق و باطل بعد از امام رضا علیه السلام ادامه دارد تا به جایی می رسد که باز آمادگی حضور حق در جامعه نیست و اساساً این آمادگی به حدی کاهش یافته که حضور امام در جامعه نیز با مشکلاتی روبرو شده است. لذا در این دوران، زمینه غیبت به شکل آهسته آهسته آماده می شود.

مرحله مندی غیبت معصومین علیهم السلام

هجمه باطل بعد از امام رضا علیه السلام آهسته آهسته بیشتر می شود، در نتیجه هنوز زمینه مناسب برای ظهور حکومت جهانی فراهم نیست و امامت می بایست در محاق برود تا زمینه برای حکومت جهانی آماده شود. روند به محاق رفتن جریان امامت و غیبت حضرت حجت علیه السلام هم نیز بر اساس سنت تدریج رخ خواهد داد.

از دوره امام جواد علیه السلام زمینه غیبت به آرامی فراهم می شود و برای اینکه غیبت برای شیعه در بستر اجتماعی به درستی هضم شود و شیعیان بتوانند از نظر تاریخی با آن کنار

بیایند، این غیبت به حسب سنت تدریج مراحل طی در خود داشته است؛ بنابراین زمینه غیبت امام زمان علیه السلام با دوره امام جواد علیه السلام با یک شکل ویژه شروع می شود، که شرح آن بدین صورت است که اولین مسأله ای که جامعه شیعی باید برایش آماده شود اینست که غیبت امام زمان باید در ایام کودکی اش صورت گیرد، چاره ای جز این نیست و باید زود پنهان شود و برای همین شیعه باید امامت در ایام کودکی را هضم کند که این با دوران امامت امام جواد علیه السلام شروع می شود و در امام هادی علیه السلام نیز باز همین تجربه تکرار می شود و ایشان در ایام کودکی به امامت می رسند. حضور امام جواد علیه السلام در ایام کودکی در جلساتی که مامون علیه السلام ترتیب داده بود برای همه شیعیان به شکل اجتماعی این امر را واضح ساخت که حجت خدا در دوران کودکی چگونه وصل به همه علوم است و از چه منزلت معنوی و علمی بالایی برخوردار است. هر چند این امر برای برخی از خواص شیعیان معلوم بود، اما بروز اجتماعی و عمومی آن در این دوران رخ داد و از این به بعد، اندیشه علم امام برای جهان شیعی دارد واضح می شود. در این زمان یک زمینه فراهم شد.

در ادامه در زمان امام هادی علیه السلام نیز دوزمینه برای غیبت ایجاد شد؛ یکی امامت در کودکی و دیگری فاصله افتادن میان جامعه شیعی با امام به دلیل کاهش امکان ارتباط گیری با امام بخاطر در حصر افتادن ایشان. این آمادگی آهسته آهسته باید ایجاد می شد، در غیر این صورت اگر غیبت امام یک دفعه رخ می داد یک خلا و انقطاع اجتماعی پدید می آمد و در سنت الهی هرگز حق چنین نخواهد

شد. حق اگر به محاق هم می‌رود باید به گونه‌ای باشد که اصل حقیقت حق بماند و لذا در دوره امام جواد علیه السلام یک مرحله آمادگی شیعه برای غیبت حاصل شد و در مرحله بعد در زمان امام هادی علیه السلام غیبتشان به شکلی است که ارتباطشان با شیعیان به حداقل می‌رسد اما در عین حال، امام حاضر است و شیعیان ایام کودکی اش را هم دیده‌اند. این دو تجربه برای جامعه شیعی آمادگی ایجاد کرد تا به زمان امام عسکری علیه السلام برسیم که در آن زمان باز امام عسکری علیه السلام خودشان در عسکر بودند و خود این زمینه است که بشکل اجتماعی آهسته آهسته شیعه آماده دوران غیبت می‌شوند، چراکه از جهتی امام درینشان هست و از یک جهت نیست. این روند ادامه دارد تا به امام زمان علیه السلام می‌رسد و غیبت ایشان مطرح می‌شود. خود غیبت نیز به صورت غیبت صغری و کبری مطرح می‌شود؛ در غیبت صغری حضرت نوابی دارد که از طریق آن‌ها هنوز ارتباط با جامعه شیعی برقرار است تا آمادگی نهایی برای غیبت کبری ایجاد شود.

جریان تدریجی زایش‌های شیعی بعد از عصر غیبت صغری

با غیبت کبری، به محاق رفتن جریان حق و امام اوج دوباره‌ای می‌گیرد. اوج اول در شهادت اباعبدالله علیه السلام رخ می‌دهد و اوج دوم در این دوره. در این جا نیز همان سنت الهی که در نقطه اوج اول مطرح بود، حاکم است و باعث می‌شود از همین جایی که اوج غیبت است، جوانه‌هایی برای زایش ظهور رویدن می‌گیرد. در این زمان با نبود امام در میان مردم، عملاً با تدبیر خود امامان علیهم السلام، هدایت و

راهبری جامعه به سمت عالمان شیعی و تشکیل حوزه‌های شیعی جهت دهی می‌شود؛ به این معنا که هرچند شیعیان اکنون جدای از امام هستند و امام در بین‌شان نیست و هرچند همه شیعیان این احساس را دارند که امام همه دل‌ها را می‌خواند و همه جا حاضر است ولی زمینه برقراری ارتباط مستقیم با امام فراهم نیست، لذا این مسئولیت به عالمان و حوزه‌های شیعی منتقل می‌شود. این حوزه‌ها و عالمان شیعه به اضافه آنچه که در حکومت آل‌بویه روی داد، خودش اولین فروغ ظهور است. البته معنایش زمینه‌سازی ظهور است یعنی اینجا زایش اولیه صورت گرفت. در زمان آل‌بویه این امر تبدیل به یک حرکت اجتماعی مفصل‌تری شد که تقریباً بسط اجتماعی بیشتری پیدا کرد. به عنوان نمونه در این دوران مسأله عاشورا و دست‌رویی برای عاشورا خودش را به خوبی جا انداخت و شیعه برای خودش یک هویت ویژه‌ای پیدا کرد.^۱

رنگ و رونق جدید در اندیشه‌های شیعی بعد از شکل‌گیری عرفان نظری

بعد از این مرحله زایش دیگری رخ می‌دهد و آن چیزی است که در عرفان نظری روی داد و فهم فرهیختگان و اندیشه‌های

۱. به عنوان نمونه ابن اثیر در الکامل خود در حوادث سال ۳۵۲ ه.ق چنین آورده است: «در دهم محرم سال جاری معزالدوله به مردم دستور داد که دکان‌ها و اماکن کسب را ببندند و تعطیل کنند و سوگواری نمایند و قبا‌های سیاه مخصوص عزا بپوشند و ... و ندبه حسین بن علی ع بخوانند.» (به نقل از: ایرانیان و عزاداری عاشورا، اصغر فروغی، ص ۳۸)

شیعی در باب امامت و نصب الهی، حجت خدا بودن و واسطه فیض الهی گشتن را رنگ و رونق جدیدی بخشید. این زایش در قرن هفتم با ابن عربی شروع می‌شود و این نخبگان آهسته آهسته فضای فرهیختگانی را به خودشان اختصاص می‌دهند و در ادامه خود را به مکتب شیراز در شخصیت‌هایی مانند محقق دوانی کشاند و بعد از آن به ملاصدرا رسید. این دوره توضیحات ویژه‌ای دارد که اکنون مجال آن نیست. پس از این دوره، دوره صفویه است.

عصر صفویه و هویت‌یابی جامعه شیعی در نبود حاکمیت شیعی

بعد از این زمینه‌سازی، نوبت به مرحله بعدی می‌رسد یعنی زایش‌های دوباره‌ای که مقدمه ظهور هستند اما این مقدمه‌ها آن چیزی نیستند که به عنوان مقدمه متصل ظهور بتوان از آنها یاد کرد و آن مرحله‌ای است که بدوران صفویه می‌رسیم. در عصر صفویه حکومت به معنای حکومت شیعی نداریم ولی جامعه شیعی هویت پیدا می‌کند. در اینجا ایران قدیم به یک جامعه مسلط شیعی تبدیل می‌شود و اینجا باز یک زمینه ظهور است. باید دقت کرد که این نکته به این معنا نیست که در این زمان حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام قیام بنمایند چرا که هنوز تنها مردم توانسته‌اند هویت شیعی‌شان را پیدا کنند و جامعه شیعی پیدا شود، البته این جامعه شیعی بعداً زایش‌هایی ویژه را در پی دارد. در هر حال عصر صفویه زایش مهمی بود که به لحاظ فلسفه تاریخ اسلامی صورت گرفت.

به دیگر بیان، در این دوره تقریباً فروغ‌ها و زمینه‌های خوشی پدید آمد؛ شاه با عنوان شیعی داریم و از سویی جامعه شکل گرفته شیعی نیز داریم، اما هنوز فقیه شیعی و حاکم شیعی - که بازتاب و جلوه امامت در صحنه غیبت امام است و روح اندیشه و دستور امامان در آن بهتر و روشن‌تر نمایان است - نداریم. هرچند برخی نمونه‌های اندک را در همین زمان در باب محقق کرکی گفته‌اند اما هنوز جامعه شیعی توانایی این امر را ندارد. این دوران در ادامه باعث شد جامعه شیعی ایرانی شکل گرفت و هویت پیدا کرد. آنچه در روایات آمده که در دوره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام این مجموعه باید کمک کنند،^۱ این‌جا این فروغ بعدی برای ظهور و زمینه‌سازی ظهور است.

سنت تدریج و غلبه حق بر باطل و انواع زایش‌ها تا به این دوره می‌رسد اما هنوز آن زمینه‌های نهایی فراهم نیست و توان تشکیل حکومت جهانی شیعی وجود ندارد چراکه آن حکومت، ابزارهای جهانی و شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد. این روند ادامه دارد تا نوبت به انقلاب اسلامی می‌رسد.

انقلاب اسلامی و زایش نوین شیعی

در باب انقلاب اسلامی باید به روایاتی که در این زمینه است توجه شود؛ یک حکومت شیعی تشکیل می‌شود و تا زمان ظهور ادامه پیدا می‌کند و زمینه ساز ظهور حضرت

۱. در ادامه به برخی از این روایات اشاره خواهد شد.

حجت عَلَيْهِ السَّلَام است.^۱ در این مرحله است که می توان گفت غلبه حق بر باطل یا اندیشه امامت ظهور بیشتری یافته

۱. به عنوان نمونه دو روایت از این روایات را آورده ایم:

- **البَابُ الْخَامِسُ فِي ذِكْرِ نُصْرَةِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ لِلْمَهْدِيِّ ع** عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ جَزِّ الرَّبِيعِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَخْرُجُ أَنَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ ... (بحار الأنوار ج : ۵۱ ص : ۸۷)؛ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: مردمی از سمت مشرق ظاهر می شوند که زمینه سازی برای حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام می نمایند.

- [الغيبة للنعماني] **ابْنُ عَقْدَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمَرَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَابَلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ كَانِي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطُونَهُ فَاذًا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَا بَقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، باب ۲۵)؛** امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: گویا گروهی را می بینیم که از سمت مشرق خروج کرده اند و جویای حق هستند ولی به آن ها داده نمی شود، دوباره آن را طلب می کنند و در این بار نیز به آن ها داده نمی شود، وقتی می بینند شرایط این گونه است شمشیرهایشان را بر دوش هایشان می گذارند و در این حال آن چه را خواسته اند به آن ها داده می شود اما آن را قبول نمی کنند تا اینکه قیام می کنند و آن را تنها به صاحب و مولای شما می دهند. کشته های آنها شهیدند. اگر من آن زمان را درک کنم جانم را برای صاحب این امر (ولایت) حفظ خواهم کرد.

برای مطالعه بیشتر بنگرید به : عصر ظهور، علی کورانی، ص ۲۱۵ به بعد.

و بر اساس دستوراتی که اهل بیت علیهم‌السلام در این زمینه داده اند، به «فقیه حاکم» تبدیل شده است؛ یعنی زمینه نزدیک شدن به اندیشه‌های اهل بیت علیهم‌السلام در این جا بیشتر شده است. در ادامه و بعد از انقلاب ما با چیزی روبرو هستیم که به راحتی می‌توان گفت از مقدماتِ نزدیک ظهور است. حالا دیگر هویت و جامعه شیعی که وجود داشت خود را به تدریج تقویت می‌کند، این خودش در جامعه ایران علانمی داشته است؛ حاکمیت، ساختارها و ... در حد و اندازه خودش پیش رفت ولی در عین حال هنوز نقائصی وجود دارد و این ساختارها هنوز ساختار نهایی نیست. هنوز باید تلاش عالمان فراوانی در این زمینه صورت گیرد و انتقال به صحنه اجتماع باید بیشتر از این باشد.

جلوه‌هایی از زایش نوین شیعی در بستر انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی که خود زایشی مهم بود، در دل خود زایش‌های مضاعفی را به بار آورد. به عنوان نمونه فضاهایی همچون دعای کمیل، دعای عرفه و حج جا افتاد، مساله حرکت‌های اجتماعی شیعی مثل عید فطر و عید قربان در جای درست خود قرار گرفت، مسأله‌ای به اسم اعتکاف همگانی شد. همه این‌ها یک نوع هویت جامعه شیعی با اندیشه‌های شیعی و با مجموعه‌های تقویت‌کننده فضای شیعی را سامان داد. در این میان نقش حوزه علمیه قم نیز در تقویت و ارتقاء هویت و اندیشه شیعی بسیار جدی بود

و به همین جهت در روایات هم به حوزه علمیه قم اشاره شده است.^۱

زمینه‌سازی انقلاب اسلامی برای بسط جریان حق و زایش حرکت اربعین

از این پس، بعد از انقلاب با چیزی روبرو هستیم که در حال زمینه‌سازی گسترده است و این زمینه‌سازی در حد ایران باقی نماند و آهسته آهسته بسط پیدا کرد؛ جریان

۱. وَ رُويَ بِأَسَانِيدَ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ ذَكَرَ كُوفَةَ وَ قَالَ سَتَخْلُو كُوفَةُ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ [يَأْرِزُ] عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ [تَأْرِزُ] الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبَلَدَةِ يُقَالُ لَهَا قُمَّ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْجِبَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمَّ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيَفْبِضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَبْقَى حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينَ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ ع... (بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۳)؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: بزودی کوفه از مؤمنان تهی خواهد گشت و علم از آن رخت برخواهد بست همانند ماری که در سوراخش پنهان می‌شود. آن‌گاه علم در شهری به نام قم آشکار خواهد شد و این شهر معدن علم و فضل می‌شود، تا آن‌جا که بر روی کُره زمین کسی نمی‌ماند که در دین ضعیف و ناتوان باشد حتی زنان پرده‌نشین؛ و این [واقعه] نزدیک ظهور قائم ماست. خداوند قم و مردم آن را جانشین مقام حجت قرار می‌دهد. اگر چنین نبود هر آینه زمین اهل خود را فرو می‌بلعید و در روی زمین حجتی باقی نمی‌ماند. علم از این شهر به شهرهای دیگر در شرق و غرب عالم سرازیر می‌شود و بدین سان حجت خدا بر بندگانش تمام می‌شود چندان که در کُره خاک کسی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد، سپس قائم عليه السلام ظهور می‌کند.

لبنان را شاهدیم، حرکت شیعی در عراق را دیده ایم، مسأله سوریه در همین زمینه معنادار می‌شود و اخیراً در خود سوریه یک نوع جنگ حق با باطل را مشاهده کرده‌ایم که سپاه شیعی چندین کشور در آن حضور جدی دارند و این خود، یک نوع هویت شیعی زمینه‌ساز برای حرکت حضرت مهدی علیه السلام بود که در آن جا جلوه‌ای پیدا کرد.

در چند سال اخیر نیز جلوه جدیدی از هویت شیعی با هدایت رهبر معظم انقلاب ظله الله در فضای اربعین به راه افتاد. جریان اربعین قبل‌تر از سوی عالمان دینی از حدود صد سال دویست سال پیش شروع شده بود و آهسته آهسته فرهنگ ویژه‌ای را در بین عراقی‌ها پدید آورد و جذابیت خاصی نیز داشت. با هدایت‌های رهبر معظم انقلاب ظله الله، شیعیان ایران هم به شیعیان عراق ملحق شدند و این خودش یک حرکت جهانی دیگری را رقم زده است که اتفاقاً به علائم ظهور خیلی نزدیک‌تر می‌شود و به نظر می‌رسد از علائم متصل به ظهور باشد زیرا آن جمعیت شیعی جهانی که باید به دنبال امام حرکت کنند، در اربعین به وجود آمده است و این جریان به نوعی تمرین برای حرکت جهانی شیعی و حق‌جویان به تبع امام زمان علیه السلام در راستای رویارویی حق با باطل و پیروزی جهانی حق بر باطل است. این حرکت نیز باز برخاسته از آن حرکتی است که اباعبدالله علیه السلام کرد؛ دوره‌ای که اباعبدالله علیه السلام مجبور شد بر حسب وظیفه چنین کند هرچند به حسب ظاهر یک نوع محاق امامت بود ولی در حقیقت زمینه‌ساز زایش جدیدی شد. شخصیت اباعبدالله علیه السلام و جریان اربعین

در اینجا نیز به فریاد شیعه و دیگر حق جویان رسید و یک حرکت اجتماعی گسترده و جهانی را پدید آورد.

حرکت اربعین، زایش جدید شیعی و زمینه متصل به عصر ظهور

انسان احساس می‌کند این حرکت اجتماعی بسیار سنگین است و برای حرکت اجتماعی جهانی شیعیان بسیار هویت‌ساز، زیرا آنچه در باب قیام جهانی شیعیان و حق جویان در پی حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام در آن مصاف جهانی در روایات گفته شده است با اربعین در ذهن و فاهمه شیعیان حاصل می‌شود و سنت تدریج در اینجا اربعین را تمرینی برای آن حرکت جهانی قرار داده است. بحث‌هایی که تا به حال در مورد ایران می‌شد که ایران به نوعی زمینه‌ساز ظهور است الان دیگر یک زمینه ظهور خیلی جدی‌تر و نزدیک‌تر است که خود این، یک هویت جهانی شیعه را رقم می‌زند و به نظر می‌رسد یکی از زمینه‌های متصل به قیام حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام باشد و اخیراً هم دیدیم رهبر معظم انقلاب رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ در باب اربعین و زمینه‌سازی آن برای تمدن نوین اسلامی صحبتی داشتند.^۱ اگر آنچه تاکنون گفته شد را مد نظر قرار دهیم، این نگاه در ما پدید خواهد آمد یعنی آمادگی مردم برای حرکت اجتماعی به تبع حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام و ظهور ایشان الان فراهم شده است و از این جهت می‌توانیم بگوییم زمینه‌های ظهور وابسته و پیوسته و بلکه وصل به ظهور

۱. بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی، ۹۸/۶/۲۷.

حضرت حجت‌الاسلام را ما اکنون مشاهده می‌کنیم و به برکت روایاتی که در این زمینه هست باز می‌توانیم این را بهتر بفهمیم و دریابیم که چرا در اربعین به این شکل عمل می‌شود و این اتفاقات روی می‌دهد.

اربعین حسینی، تمرین سربازی در قیام مهدوی

آهسته آهسته مردم باید این آمادگی را پیدا کنند که بتوانند چنین حرکت‌های جدی عمومی را داشته باشند؛ در پی امام بروند و همراه با امام بجنگند و با امام قیام کنند و به همراه امام در آن حاکمیت دینی که امام می‌خواهد ایجاد کند مشارکت کنند. از این جهت جریان اربعین زمینه خیلی جدی و متصل به قیام حضرت حجت‌الاسلام به نظر می‌رسد و بر این اساس چنین احساس می‌شود که اکنون زمینه‌های ظهور متصل به ظهور حضرت حجت‌الاسلام به گونه‌ای رقم می‌خورد که انسان جهانی بودن آنرا به طور جدی دریافت می‌کند. در دوره‌های پیشین چنین چیزی وجود نداشت، در دوره صفویه بخاطر خلاهایی که وجود داشت اینگونه نبود، تنها شاه شیعی داشتیم و بیش از این نبود. اما الان ما داعیه اندیشه‌های شیعی را داریم و همین الان از سوی دیگر، انقلاب اسلامی حرکت و شوری را در اروپا و آفریقا و خاورمیانه پدید آورده است و حتی در ذهن جهانیان این معنا دارد. مستقر می‌شود که رقیب روند حاکم جهانی، اسلام است. ناگفته نماند همانطور که انقلاب اسلامی و امتداد آن در عصر کنونی توانست ساز و کار معنوی بستر ساز برای رخداد جریان اربعین را فراهم نماید، ساز و کارهای مادی

این جریان نیز در این عصر به خوبی وجود دارد که عمدتاً همان شبکه و ساختار ارتباطات جهانی است. در برخی روایات مربوط به عصر ظهور نیز به این ساز و کارهای مادی اشاره شده است به نحوی که بر اساس آن روایات سهولت و گسترش دامنه ارتباطات به حدی رسیده که همه حرکت‌ها و رخدادها در افق جهانی برای همگان آشکار است و گویا جهان به دهکده‌ای تبدیل شده است.^۱ بنابراین در عصر کنونی بسترهای اساسی معنوی و مادی جریان اربعین و مقدمه‌سازی پیوسته برای ظهور حضرت حجت‌الاسلام در کنار هم فراهم آمده‌اند و اگر این نکته به خوبی فهم شود می‌تواند حرکت جریان حق را شتاب و امیدی مضاعف ببخشد. علاوه بر این، جریان اربعین نیز در گسترش دادن خود می‌تواند از این بستر مادی فراهم آمده به خوبی بهره گیرد.

مراحل و اتفاقات بعدی در امتداد حرکت اربعین

حالا اینکه مرحله بعد چیست، خدا عالم است. آیا باید گفت سقوط سعودی‌ها در عربستان با پیروزی یمن و یا سقوط و افول امریکاست و یا سقوط و زوال اسرائیل یا اینکه حرکت بعدی مسأله بحرین است؟ این را نمی‌دانیم

۱... قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱)؛ از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمودند: مومن در زمان قائم عليه السلام در حالی که در مشرق است، برادر خود را که در مغرب است، می‌بیند و نیز آن کس که در مغرب است، برادر خود در مشرق را می‌بیند.

ولی اگر خوب نگاه کنیم احساس می‌کنیم این حرکت آهسته آهسته در حال زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه است و از این جهت باید جایگاه اربعین را خیلی خوش فهمید؛ اربعین مقدمه متصل ظهور و یک هویت بخشی اجتماعی جهانی برای حرکت اجتماعی شیعیان و حق‌جویان در همه عالم در پی امام عجل الله فرجه است.

لزوم جهانی‌سازی جریان اربعین، خلأها و کاستی‌ها در این مسیر

چیزی که در مسأله اربعین جایش خالی است، مسأله فضا‌سازی و جریان‌سازی رسانه‌ای برای کل جهان است که این جذابیت عظیم و ویژه را ما هنوز نتوانسته‌ایم به جهانیان برسانیم؛ درست است که آن‌ها به نحو گسترده این جریان را بایکوت خبری کرده‌اند، ولی چرا ما کاری درخور نکرده‌ایم؟

مسأله اربعین فقط اختصاص به شیعیان ندارد و اگر ما در این زمینه اقدامی شایسته داشته باشیم، این جریان می‌تواند به همه جهان سرایت کند و حتی می‌تواند همه را جذب کند و به شکل درستش به این سمت بکشانند و در این جا می‌توان اندیشه‌های امامت شیعی و در نتیجه حاکمیت الهی توسط حضرت مهدی عجل الله فرجه را در اربعین خیلی خوش معنا کرد. در هر حال ما باید بستر اندیشه و نیز حرکت اجتماعی اربعین را تقویت کنیم و در کنار آن بدانیم که این جریان چه امر مهمی را دارد رقم می‌زند و هر که این جمعیت انبوه - که حتی تا بیست میلیون هم برآورد

شده است - را ببیند به حرکت اجتماعی جهانی شیعیان پی خواهد برد. از این رو شایسته است همه تمهیدات لازم برای این جریان در حد امکان فراهم شود.

تعطیلی هدفمند و هوشمندانه حوزه‌های علمیه در زمان حرکت عظیم اربعین

ناگفته نماند حوزه‌های علمیه از آن هنگام که اربعین با این صورت جدیدش مطرح گردید، درس‌ها را پیش از اربعین تعطیل کردند تا طلبه‌ها نیز در این حرکت جهانی سهیم باشند. در مجموع این کار را، کار خوش و خوبی باید دانست. هرچند در کل لازم است تعطیلات حوزوی به حداقل رسانده شود اما این جا جای مهمی است که باید رویش تاکید کرد و باید آن را تشویق و ترغیب کرد.

همچنین باید این جریان را به شکل درستی در صحنه جامعه خودمان و نیز در شیعیان کل جهان جا بیندازیم و در ادامه باید به این سمت برویم که آن را برای کل جهان، جریان‌سازی اجتماعی کنیم چراکه واقعاً این جریان می‌تواند آن آمادگی تدریجی برای ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه را بیش از پیش شکوفا کند، آن‌طور که اکنون نیز عملاً تا حدی این کار را کرده است.

انشاءالله امیدواریم ما از زمره کسانی باشیم که در رکاب حضرت حجت عجل الله فرجه می‌جنگیم و برای اعلای کلمه الهی و برای ایجاد حاکمیت الهی توسط امام معصوم، ایشان را همراهی می‌کنیم.

و السلام علیکم ورحمة الله و بركاته